گفت‌وگوی «جوان» با فرمانده گروهان فجر از لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) درباره عملیات کربلای یک

نبرد روی یال‌های قلاویزان در گرمای شدید تیر ماه

■ علیرضا محمدی

عملیات کربلای یک از نهم تا ۱۹ تیرماه ۱۳۶۵ به جهت آزادسازی شهر مهران انجام گرفت. در سال ۱۳۶۵ عراق استراتژی دفاع متحرک را در پیش گرفته بود که در راستای آن، واحدهای زرهی و پیاده دشمن به صورت برق آسا حملات محدودی را در نقاط مختلف مرزها انجام می‌دادند تا با مشغول ساختن رزمندگان از انجام عملیات بزرگی چون والفجر ۸ جلوگیری کنند. در واقع وقتی که زمستان سال ۶۴ ایران شبه جزیره فاو را تصرف کرد، عراق به این نتیجه رسید که باید از تکرار چنین عملیات عظیمی جلوگیری کند، بنابراین از اول سال ۶۵ مرتب عملیات محدود، اما برق آسا انجام می‌داد. اوج تحرکات عراق در استراتژی دفاع متحرک، تصرف شهر مهران بود که بعثی‌ها تبلیغات زیادی روی آن انجام دادند و خروج از مهران را منوط به خروج نیروهای ایرانی از فاو بیان می‌کردند. در گفت‌وگویی که با سیدرسول اعتصامی، فرمانده گروهان فجر از گردان علی‌اکبر(ع) لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) انجام دادیم، مروری بر این عملیات تابستانی داشتیم.

■■■

سال ۶۵ یک تغییری در فضای کلی جبهه‌ها صورت گرفته بود. عراق با استراتژی دفاع متحرک پس از سال‌ها از لاک دفاعی خارج شده بود، شما به عنوان یک رزمنده اولین بار کجا با این طرح دشمن روبه‌رو شدید؟

۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۶۵ تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع) یک عملیات متوسط اما خونین را علیه بعثی‌ها در منطقه فکه انجام داد که در پاسخ به همین استراتژی دفاع متحرک عراق بود. ما در پدافندی فاو بودیم که خبر رسید دشمن به فکه حمله کرده و مناطقی را اشغال کرده است. برای بازپس‌گیری این منطقه، تیپ ۱۰ به فرماندهی حاج علی فضلی مأمور شد وارد عمل شود. نام عملیاتی که قرار بود انجام بدهیم، عملیات سیدالشهدا(ع) بود. آنجا یک تیپ خودی با چند تیپ دشمن جنگید و دشمن را به عقب راند. در آن عملیات گردان حضرت علی اصغر(ع) به فرماندهی شهید حسین اسکندرلو شهدای زیادی دادند. اما نهایتاً موفق شدیم به اهداف‌مان برسیم و دشمن هم واقعاً تلفات داد و تانک‌ها و ادوات زیادی را از دست داد.

از اردیبهشت تا تیرماه که عملیات کربلای ۱ انجام شد، دو ماه فاصله است. از چه زمانی مهیای آزادسازی مهران شدید؟

اواخر اردیبهشت ماه ۶۵ عراق به مهران حمله کرد و بعد از چند روز توانست این شهر را در اوایل خرداد مجدداً اشغال کند. همان طور که می‌دانید مهران در دفاع مقدس چند بار اشغال و آزاد شده بود. بعد از تصرف این شهر، بعثی‌ها تبلیغات زیادی راه انداختند و اینطور عنوان می‌کردند که اگر ایران می‌خواهد مهران را پس بگیرد، باید از فاو خارج شود. حتی وانمود می‌کردند که اشغال شهر مهران توسط آنها، همطراز تصرف فاو توسط نیروهای ایرانی است. در حالی که پس از تصرف فاو، عراقی‌ها دسترسی‌شان را به خلیج فارس از دست داده بودند. همین تبلیغات و هیاهوها بود که باعث شد حضرت امام فرمان آزادسازی مهران را صادر کنند. طرح عملیات به سرعت ریخته شد و ما خودمان را برای آزادی این شهر آماده کردیم. آن زمان به دلیل تابستان و گرمای شدید هوا، عمده نیروهای تیپ سیدالشهدا(ع) در اردوگاه قلاجه بودند. همان جا اعلام شد که باید خودمان را مهیای عملیات کنیم. به منطقه عملیاتی آمدیم و اوایل تیرماه وارد عمل شدیم.

مأموریت گردان شما چه بود؟

ما که نیروهای گردان علی اکبر به فرماندهی سردار تقی‌زاده بودیم، باید از کمربندی دهلران به مهران وارد عمل می‌شدیم. در این مرحله از عملیات عراقی‌ها مقاومت زیادی نداشتند و پس از کمی درگیری فرار کردند و روی ارتفاعات قلاویزان مستقر شدند. هرچند دشمن مقاومت کمی نشان داد و ما هم تلفات چندانی نداشتیم، ولی باید ۱۵ الی ۲۰ کیلومتر راه را پیاده طی می‌کردیم تا به موقعیت مورد نظر می‌رسیدیم. در آن فصل از سال منطقه مهران گرمای عجیبی داشت. کار سختی بود و با کوله و سلاح و مهماتی که همراه داشتیم طی این مسیر با سختی زیادی صورت می‌گرفت.

اتفاقاً سؤال بعدی‌ام در مورد گرمای هوا و تأثیر آن روی روند عملیات بود. چون اغلب عملیات‌های بزرگ در فصل زمستان انجام می‌گرفت. ولی آزادسازی مهران بنا به شرایط خاصی که داشت در اوج گرمای تابستان بود.

بله، همین طور است. همین قدر بگویم که به علت گرمای شدید هوا، هر جا آب گیر می‌آوردیم می‌خوردیم. مثلاً یک جایی یادم است که داخل یک برکه یا چاله‌ای بود که آب پیدا کردیم. این آب کثیف بود و پر از کرم و حشرات و جانوران دیگر. ولی آن‌قدر تشنه بودیم که به این چیزها توجه نکردیم و از آن آب خوردیم. حالا این کرم‌ها همراه آب بلعیده می‌شدند یا نه ما که متوجه نشدیم (خنده) در عملیات کربلای ۱ رزمنده‌ها باید علاوه بر دشمن با گرمای و شرایط آب و هوایی هم می‌جنگیدند. پیاده روی طولانی مدت در چنین گرمایی و همزمان درگیر شدن با دشمن کار واقعاً طاقت فرسا و سختی بود.

سخت‌ترین مرحله عملیات کجا بود؟

بعد از مستقر شدن نیروهای دشمن روی ارتفاعات قلاویزان، مرحله بعدی عملیات که سخت‌ترین مرحله هم بود، شروع شد. از طرفی نیروهای بعثی روی ارتفاع سنگر گرفته بودند و از طرف دیگر غافلگیری مرحله اول وجود نداشت و هوشیارتر شده بودند. قلاویزان به کل منطقه اشراف داشت. طرفی که این ارتفاعات را در دست داشت، طرف غالب در این منطقه بود. چرا که قلاویزان از این طرف روی شهر مهران و از آن طرف روی شهرهای عراقی مسلط بود. دشمن در مرحله اول عملیات کربلای ۱ از مهران عقب نشست، ولی تا قلاویزان در دستش بود، نمی‌توانستیم بگوییم که مهران را پس گرفته‌ایم. باید این ارتفاعات استراتژیک آزاد می‌شدند. دشمن هم این را به خوبی می‌دانست و به نیروهایش دستور داده بود در قلاویزان به شدت مقاومت کنند. تا جایی که بسیاری از نیروهای دشمن کشته شدند تا ما توانستیم به ارتفاعات دست پیدا کنیم.

> یکی از خصوصیات بارز شهید رهبر دهقان این بود که به‌رغم داشتن یک شخصیت متفکر با روحیه عرفانی، آدم شوخ طبعی بود و در سخت‌ترین شرایط هم مزاح را فراموش نمی‌کرد. آخرین باری که او را دیدم شاید دو یا سه ساعت قبل از شهادتش بود

گروهان شما در این مرحله خط شکن بود؟

ابتدا گروهان شهید علیرضا آملی باید به خط دشمن می‌زد. ایشان بچه کرج بود و فرمانده یکی از سه گروهان از گردان علی اکبر(ع) را برعهده داشت. برادر آملی در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید. بعد گروهان شهید جواد رهبر دهقان در مرحله بعد وارد عمل می‌شد و گروهان فجر که بنده فرمانده‌اش بودم هم باید پس از گروهان شهید رهبر دهقان به منطقه ورود می‌کردیم و به بلندترین قله ارتفاعات قلاویزان دست می‌یافتم. لذا گروهان شهید آملی خط شکنی کرد و شهدای زیادی داد. بعد بچه‌های شهید رهبر دهقان رفتند و آنها هم شهدایی را تقدیم کردند و خود جواد هم در همین مرحله از عملیات به شهادت رسید. گروهان ما هم چه در ابتدای شروع عملیات و چه در روند اجرایی آن شهدایی داد. در ابتدای ورود به منطقه برای انجام مرحله دوم عملیات، بعثی‌ها متوجه حضور ما شدند و با توپخانه و خمپاره محل استقرار ما را به شدت کوبیدند. همان جا چند شهید و مجروح دادیم. روی ارتفاعات هم از گروهان ما شهدایی تقدیم شد و نهایتاً توانستیم ارتفاعات را بگیریم. در این مرحله از عملیات، بچه‌های ما از معاون گردان گرفته تا فرمانده گروهان شهید دادند و در کل شهدای زیادی در فتح قلاویزان تقدیم شد.

> از فرط گرما هر جا آب گیر می‌آوردیم می‌خوردیم. یک جایی داخل یک چاله آب پیدا کردیم. این آب کثیف بود و پر از کرم و حشرات و جانوران دیگر. ولی آن‌قدر تشنه بودیم که به این چیزها توجه نکردیم و از آن آب خوردیم

شهید جواد رهبر دهقان از فرماندهان شهید عملیات کربلای ۱ است، چه خاطراتی از ایشان دارید؟

جواد بچه محل ما در کارخانه قند کرج بود. پدرش در همین کارخانه کار می‌کرد و ما با خانواده ایشان همسایه بودیم. از کودکی همدیگر را می‌شناختیم. البته جواد یک یا دو سال از من بزرگ‌تر بود و در بحث انقلاب و جبهه هم زودتر از من ورود کرد. بنده از عملیات خیبر وارد تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع) شدم و همان زمان به عضویت سپاه درآمدم، جواد زودتر پاسدار شده بود. زمانی که هر دو به گردان حضرت علی اکبر(ع) آمدیم، چه در محله و چه در جبهه با هم بودیم. یکی از خصوصیات بارز شهید رهبر دهقان این بود که به‌رغم داشتن یک شخصیت متفکر با روحیه عرفانی، واقعاً آدم شوخ طبعی بود و در سخت‌ترین شرایط هم خنده رویی و مزاح را فراموش نمی‌کرد. آخرین باری که او را دیدم شاید دو یا سه ساعت قبل از شهادتش بود. پایین ارتفاعات قلاویزان بیرون سنگر نشسته بودم و دشمن منطقه را با خمپاره می‌کوبید. ایشان آمد و من را آنجا دید. شوخی و جدی تشری به من زد و گفت چرا اینجا نشستی؟ دو برادرت شهید شده‌اند بس است. مراقب باش اتفاقی برایت نیفتد. بعد من را به داخل سنگر برد. عرض کردم که گروهان شهید رهبر دهقان باید زودتر از ما به خط دشمن می‌زد. جواد بعد از کمی گفت‌وگو خداحافظی کرد و همراه نیروهایش به ارتفاعات رفت و خیلی طول نکشید که به شهادت رسید. شنیدن خبر شهادتش واقعاً برایم سنگین بود. ما از کودکی با هم بودیم و در جبهه و پشت جبهه روزها و خاطرات زیادی را پشت سر گذاشته بودیم. روح آقا جواد و همه شهدای کربلای یک و دفاع مقدس شاد و یادشان گرامی باد.

شهید جواد رهبر دهقان، نفر سمت چپ

نگاه

نگاهی به مؤلفه‌های مدیریتی حاج احمد متوسلیان

فرماندهی که تا پای جان در مسیر حق پافشاری می‌کرد

■ آرمان شریف

حاج احمد متوسلیان یک نام بزرگ در تاریخ دفاع مقدس است. فرمانده شجاع و جسور لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) یک وزنه سنگین برای جبهه‌ها به شمار می‌رفت و رزمندگان با اتکا به وجود چنین فرمانده دلیری، در عملیات‌ها با دل شیر حاضر می‌شدند و حماسه می‌آفریدند.

حاج احمد از زمان حضور در کردستان تیمی قوی و قدر را کنار خودش جمع کرده بود. حضور نیروهای لشکر ۲۷ در میدان نبرد می‌توانست معادلات را به سود ایران تغییر دهد. نخستین توفیقات رزمندگان در جبهه‌ها از همان سال ۱۳۶۰ شروع شد و در نهایت به انجام عملیات‌های بزرگ و مهمی مثل فتح‌المبین و الی‌بیت‌المقدس رسید.

در عملیات بزرگ، لشکر ۲۷ با حاج احمد نقشی اساسی ایفا کرد. فرمانده لشکر ۲۷ با شجاعت تمام سنگین‌ترین مسئولیت‌ها را به جان می‌خرید و سخت‌ترین کارها را برعهده می‌گرفت. این مسئولیت‌پذیری و در دل کار رفتن، اصلی‌ترین مشخصه حاج احمد در فرماندهی و مدیریت بود. او همان‌قدر که در کار و هنگام عملیات‌ها جدی بود در مواقع دیگر مثل کوه پشت نیروهایش می‌ایستاد و از آنها مراقبت می‌کرد. دقیقاً به خاطر همین ویژگی، نیروهای لشکر، حاج احمد را مثل پدرشان می‌دانستند و با تمام وجود دوستش داشتند. حاج احمد متوسلیان به نیروهایش عشق می‌ورزید و مثل یک برادر دلسوز با آنها برخورد می‌کرد. حاج احمد فرمانده‌ای پشت میزنشین نبود. او قبل از شروع عملیات، کارهای مربوط به شناسایی‌ها را انجام می‌داد و هنگام عملیات‌ها در صحنه حضوری پررنگ داشت. فرمانده لشکر ۲۷ به خاصر همین حضورش در عملیات‌ها، در جریان آزادسازی خرمشهر مجروح شد. هنگام مداوا نیز همچنان به فکر نیروهایش بود و به پزشک‌ها توصیه می‌کرد که اول به وضعیت بقیه مجروحین برسند.

حاج احمد متوسلیان ابایی از مقابله با دشمن نداشت. دشمن بعثی و حتی سران رژیم صهیونیستی از این موضوع آگاهی داشتند و می‌دانستند در قلب نیروهای ایرانی، فرمانده‌ای بی‌باک حضور دارد که با قدرت و اراده‌اش می‌تواند سخت‌ترین مأموریت‌ها را به انجام برساند. همین ترس بود که دشمن را واداشت او را بربایند. فرمانده برای مقابله با دشمنان این آب و خاک حتی تا کیلومترها آن طرف‌تر می‌رفت و از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد.

به گفته یکی از همرزمانش، فرمانده لشکر ۲۷، انسانی حق‌طلب و حق‌جو بود. او هرزمانی که حق و حقیقت را می‌شناخت بر روی آن پافشاری می‌کرد و محکم به دفاع از حق می‌پرداخت. همین روحیه حق‌طلبی متوسلیان، موجب شده بود تا برخی تصور کنند حاج احمد فردی بدخلق است اما در واقعیت او فردی بود که در راه شناخت و عملی کردن راه حق با احدی مماشات نمی‌کرد. حاج احمد به هیچ عنوان آدم مصلحت‌اندیشی نبود. یعنی برای شخص یا جریان خاصی حساب ویژه‌ای باز نمی‌کرد و همیشه طرف حق می‌ایستاد. اگر کسی از راه حق سرپیچی می‌کرد مورد غضب حاج احمد قرار می‌گرفت، حتی اگر آن شخص نزدیک‌ترین فرد به او بود. حاج احمد انسانی خداباور و دین محور بود. مبنای کارهای او براساس خدا و دین بود و همواره راه‌رفتن در مسیر خدا را مدنظر داشت. فرمانده ضمن آنکه خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خود می‌دید محور عملکرد خود را بر مبنای دین قرار می‌داد. یعنی اگر می‌خواست حرکتی را انجام دهد آن را با معیار دین می‌سنجید، نه با امیال شخصی‌اش. حاج احمد به دور از مسائل مادی و دنیوی و بدون در نظر گرفتن پست و جایگاه برای انجام کارها پیش‌قدم می‌شد. فرمانده بچه‌های تهران برای رضای خدا کار می‌کرد و تکلیف‌مداری را به نیروهایش یاد می‌داد. تبعیت از امام، سرلوحه کارش بود. کار گروهی و اتکا به توانایی نیروها، یکی دیگر از خصوصیات بارز فرماندهی حاج احمد بود.

هر چند «احمد متوسلیان» در همان سال‌های اول جنگ ربوده شد، ولی عملکرد موفقش تأثیر عمیقی بر جبهه‌های دفاع مقدس گذاشت. او شاگردان بزرگی تربیت کرد و سبک فرماندهی و مدیریتی‌اش الگویی برای دیگر رزمنده‌ها و فرماندهان جنگ تحمیلی شد.

> هر چند «احمد متوسلیان» در همان سال‌های اول جنگ ربوده شد، ولی عملکرد موفقش تأثیر عمیقی بر جبهه‌های دفاع مقدس گذاشت. او شاگردان بزرگی تربیت کرد و سبک فرماندهی و مدیریتی‌اش الگویی برای دیگر رزمنده‌ها و فرماندهان جنگ تحمیلی شد

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۵۲۲

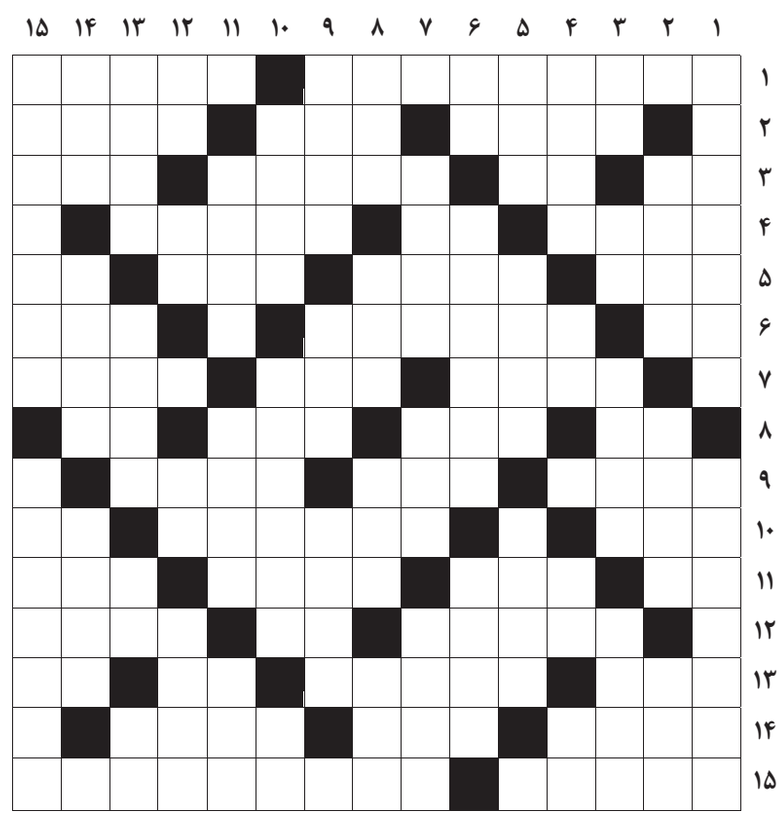

از راست به چپ

■ ۱- پاتوبیولوژی- پافشاری ■ ۲- کسادی- پنهان کردن- تخته شیرجه ■ ۳- مخالف- صدمتر مربع- خبر نادرست- صندلی دوچرخه ■ ۴- شهر زادگاه انیشتین- پسوند شباهت- غیر حقیقی ■ ۵- جمع رتبه- رودی که از رم ایتالیا می‌گذرد- رودست خوردن- صابون خیاطی ■ ۶- حرف انتخاب- چنانکه بود- اندیشه ■ ۷- غذای محلی اردبیل- برنج شوشتر- سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ■ ۸- نوعی حلوا- سفیدموی شاهنامه- مظهر سرعت- خدای خورشید مصریان ■ ۹- میوه خون‌ساز- آتش- محو کردن ■ ۱۰- شیر- چکاوک- نور اندک ■ ۱۱- ابر غلیظ- بلای بنیان‌کن- از محبت دیو... می‌شود- سرسرا ■ ۱۲- اولاد پیامبر- کشیش- مار خورده... شده ■ ۱۳- دندان نیش- شنونده- مجازات شرعی- از اقمار مشتری ■ ۱۴- پاپوش سنتی- خیط شده- برده مونث ■ ۱۵- شبیه یکدیگر- آزمایشگاه

از بالا به پایین

■ ۱- ورقه‌ای که در آن مرجع قضایی امر به حضور متهم، گواه یا مطلع در دادگاه می‌کند- جار و جنجال ■ ۲- خمیده- چاق- مرد بی زن ■ ۳- مساوی- مغز کلام- سفره- پوست گندم یا جو ■ ۴- هافبک اسبق تیم ملی انگلیس- مرتجع لاستیکی- نیم ساعت!- بخار دهان ■ ۵- مشورت- پاکیزه- کندن گل ■ ۶- چوب خوشبو- کوهی در الموت قزوین- به معنی پسندیدن است ■ ۷- شماره بین المللی کتاب- شیشه آزمایشگاه- دالانه فرهنگستان ■ ۸- از اقوام باستانی- قوچ- نشاط و شادمانی- کتاب ابن‌سینا ■ ۹- پدر مرده- خالص- شیرینی مخصوص تبریز ■ ۱۰- روسری- تخته‌های زیر ریل قطار- آواز دسته‌جمعی ■ ۱۱- ورزشی گروهی- پرنده‌ای خوش‌آواز- رنگ گیاهی ■ ۱۲- سرسلسله سه رقمی ها- رایگان- تراشیدن چوب یا فلز- ویرایش ■ ۱۳ کاشف الکل- سنگ سخت- دستگاه نساجی- بازی محلی ■ ۱۴- خرس آذری- چراگاه- پرافتخارترین ورزشکار المپیکی ایران ■ ۱۵- ستاره پرتغالی فوتبال دنیا- پول ونزوئلا

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۸						۶	۹	
۳							۲	
			۸		۷			
	۶							
	۵			۷		۲		۱
				۵	۴			۷
		۹	۲			۸		
		۴				۱		
۱		۵		۹				

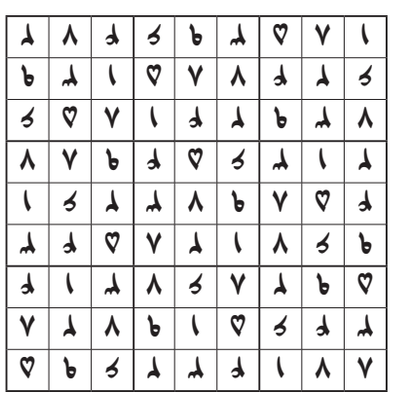

جدول کلمات متقاطع
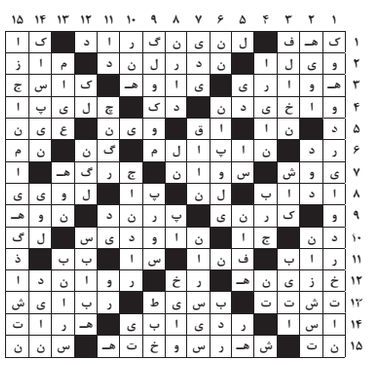
پاسخ جدول شماره ۶۵۲۱